

ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز

وحید شقاقی شهری*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۷/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱/۳۰

سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۴ با هدف تبدیل به کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در بین کشورهای آسیای جنوب غربی ابلاغ شد. مقاله حاضر با تحلیل عملکرد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ایران به ارزیابی تحقق اهداف کلان اقتصادی سند چشم‌انداز می‌پردازد. از این رو سیاست‌ها، اهداف و عملکرد اقتصادی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی براساس محورهای ششگانه اصلی تولید و بهبود رفاه جامعه، شاخص‌های پولی و کنترل تورم، اشتغال‌زایی و بهره‌وری، توزیع درآمد و فقرزدایی، جهانی شدن اقتصاد و بخش تجارت خارجی و بالاخره اندازه و حضور دولت و بخش خصوصی در اقتصاد، از دو منظر تحلیل توصیفی و کیفی و تحلیل مقایسه‌ای براساس تولید شاخص‌های ترکیبی ارزیابی می‌شود.

طبق نتایج به‌دست آمده از ساخت شاخص ترکیبی محورهای ششگانه اصلی برای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه (از برنامه اول تا پنجم توسعه) به روش فاصله از مرجع مشاهده می‌شود که در مقایسه عملکرد برنامه‌های توسعه از منظر جهت‌گیری به سمت تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز، بیشترین هم‌راستایی و بهترین عملکرد به ترتیب در برنامه‌های سوم توسعه (میانگین رتبه: ۱/۸۳)، برنامه اول توسعه (میانگین رتبه: ۲/۵)، برنامه دوم توسعه (میانگین رتبه: ۳/۳۳)، برنامه پنجم توسعه (میانگین رتبه: ۳/۵) و بالاخره برنامه چهارم توسعه (میانگین رتبه: ۳/۸۳) وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد ایران؛ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴؛ برنامه‌های پنج‌ساله توسعه؛ شاخص ترکیبی

* استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی؛

Email: v.shaghghi@khu.ac.ir

مقدمه

اثربخشی برنامه‌های توسعه از فرایندهای راهبردی کشورهاست و هر کشوری پیش از آنکه استراتژی‌های آینده خود را تدوین کند، باید چشم‌انداز روشنی از آن داشته باشد. اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در قالب چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی ابلاغی مشخص شده و این اسناد مبنایی برای مقایسه و ارزیابی سیاست‌های پیشنهادی قوه مجریه در قالب برنامه‌های توسعه، لوایح و به‌خصوص عملکرد دولت می‌باشد و بدیهی است برای ارزیابی فرایند چشم‌انداز باید الزامات و اهداف کمی و کیفی آن در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مشخص شده و با اجرای این برنامه‌های میان‌مدت، ارزیابی پیشرفت و میزان تحقق اهداف بررسی شود.

در شرایط فعلی، چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام موجود است اما تاکنون مطالعه جامعی روی هم‌افزایی، انسجام و عملکرد برنامه‌های توسعه در جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز انجام نشده است. بعد از انقلاب اسلامی و تاکنون پنج برنامه توسعه در کشور تدوین و اجرایی شده و کشور در آستانه برنامه ششم توسعه قرار دارد. درضمن بعد از ابلاغ سند چشم‌انداز نیز دو برنامه پنج‌ساله چهارم و پنجم توسعه در همین راستا تدوین و اجرا شده است. قطعاً آسیب‌شناسی و ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه و بررسی وضع موجود و مطالعه روند گذشته می‌تواند وضعیت کشور را با توجه به فرصت‌ها و تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها در عرصه بین‌المللی و داخلی مشخص کرده و بالاخره دستیابی به اهداف چشم‌انداز را تسهیل کند.

از این رو مقاله حاضر برای ارزیابی میزان تحقق اهداف کلان اقتصادی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، در قالب برنامه‌های توسعه و محاسبه شاخص ترکیبی ارزیابی وضعیت اقتصادی اهداف سند چشم‌انداز در برنامه‌های پنج‌ساله تدوین شده است. در این مقاله براساس مبنای نظری ساخت شاخص‌های ترکیبی و با بهره‌گیری از روش و متدولوژی سازمان‌های بین‌المللی (روش فاصله از مرجع)، ارزیابی و مقایسه تطبیقی عملکرد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز بررسی می‌شود. بنابراین ابتدا طبق مطالعات نظری و تجربی و کسب نظرات خبرگی، شش محور اصلی به همراه محورهای فرعی ذیل آنها برای ارزیابی عملکرد اقتصادی کشور در قالب برنامه‌های توسعه تعیین و

سپس به روش فاصله از مرجع برای هر کدام از محورهای فرعی و اصلی، وضعیت پیشرفت در برنامه‌های توسعه، محاسبه و مشخص می‌شوند. در نهایت شاخص ترکیبی نهایی با روش میانگین رتبه‌ای^۱ از محورهای اصلی، محاسبه خواهند شد.

با توجه به مطالب گفته شده، مقاله حاضر در چهار قسمت تنظیم و تدوین شده است. در ابتدا سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و جایگاه اهداف اقتصادی در این سند و نیز خلاصه اهداف کلان برنامه‌های توسعه تبیین می‌شود. سپس چارچوب نظری ساخت شاخص‌های ترکیبی با مروری بر مبانی نظری این شاخص‌ها و روش به کار رفته در برخی از سازمان‌های بین‌المللی و با نگاه ویژه به ابعاد و حوزه‌های اقتصادی ارائه شده است. قسمت سوم به بررسی و ارائه محورهای اصلی و فرعی مرتبط با شاخص ترکیبی ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه در راستای سند چشم‌انداز بیست‌ساله پرداخته و سعی خواهد شد عملکرد برنامه‌های توسعه ایران در جهت‌گیری و تحقق اهداف کلان اقتصادی سند چشم‌انداز از دو منظر تحلیل توصیفی و کتابخانه‌ای و تحلیل کمی براساس ساخت شاخص‌های ترکیبی آن هم به روش فاصله از مرجع که روش پیشنهادی سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۲ است، بررسی و تحلیل شود. در پایان نیز به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها می‌پردازد.

۱. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و اهداف اقتصادی آن و برنامه‌های توسعه

به استناد سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، «در سال ۱۴۰۴ ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل».

ذیل این عبارت ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز در قالب هشت بند معرفی شده و سال ۱۳۸۴ به‌عنوان سال آغازین اجرای آن معرفی شده است. همچنین در بین این هشت بند، محورهای اقتصادی متصور جامعه ایرانی افق چشم‌انداز عبارت است از:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود،

۱. منظور از میانگین رتبه برنامه، میانگین شش محور اصلی ارزیابی برنامه‌های توسعه بوده است که هر چقدر میانگین به عدد یک نزدیک باشد نشان‌دهنده بهبود برنامه است.

- جامعه‌ای برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع متناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده و به دور از فقر، فساد و تبعیض،
- جامعه‌ای برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی،

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

همچنین با توجه به بحث‌های متعدد صورت گرفته در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مهم‌ترین اهداف کلان اقتصادی زیر برای این سند در نظر گرفته شد (دانش جعفری و شقاقی شهری، ۱۳۹۳):

- قرار گرفتن ایران در زمره ۱۰ اقتصاد برتر جهان در سال ۲۰۲۵ میلادی (۱۴۰۴ ه.ش)،
- دستیابی به جایگاه اول اقتصادی در منطقه با تحقق تولید ناخالص داخلی ۲۰۰۰ میلیارد دلاری در افق ۲۰۲۵ میلادی (۱۴۰۴ ه.ش)،
- بهبود وضعیت رفاهی جامعه و افزایش درآمد سرانه هر ایرانی به قدرت برابری خرید به ۳۰ هزار دلار در سال،

- کاهش شکاف طبقاتی با تحقق ضریب جینی کمتر از ۰/۳۵ درصد،
- کاهش نرخ تورم و تحقق تورم تک‌رقمی پایدار،
- کاهش نرخ بیکاری و تحقق نرخ بیکاری تک‌رقمی پایدار،
- ارتقای شاخص توسعه انسانی ایران و قرار گرفتن در زمره کشورهای با شاخص توسعه انسانی خیلی بالا،

- دستیابی به قدرت اول علم و فناوری در منطقه،
- افزایش نسبت درآمدهای مالیاتی (درصدی از تولید) و افزایش صادرات کالا و خدمات (درصدی از تولید).

همچنین درخصوص برنامه‌های توسعه و اهداف کلان اقتصادی برنامه‌هایی داریم (احمدی و شقاقی شهری، ۱۳۸۷):

ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز _____ ۲۱۳

- برنامه اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸): پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشور دچار جنگ تحمیلی ناخواسته شد و شرایط اجرای برنامه اقتصادی جامع را با موانعی مواجه ساخت. با این حال پس از اتمام جنگ، نخستین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی پنج‌ساله با هدف بازسازی ویرانی‌های جنگ تحمیلی و در جهت رونق تولید و رشد اقتصادی و با اتخاذ سیاست‌های تعدیل اقتصادی تنظیم و اجرا شد.

- برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴): برنامه توسعه دوم از سال ۱۳۷۴ آغاز شد. در برنامه دوم رویکرد اصلی دولت بر محور قرار دادن بخش کشاورزی به‌عنوان اساس و مبنای توسعه اقتصادی معطوف بود. این برنامه به‌دلیل نوسانات حاکم بر قیمت نفت در بازارهای جهانی و عدم توفیق کامل دولت در اجرای بهینه طرح‌های خصوصی‌سازی و اصلاح ناکارآمد شرکت‌های دولتی و سایر مسائل با توفیق همراه نشد. اما در زمینه‌های معینی از برنامه‌های زیربنایی عمرانی کشور، پیشرفت‌های نسبتاً خوبی حاصل شد.

- برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹): اهداف کلان اقتصادی برنامه سوم توسعه، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در جهت «عدالت اجتماعی»، ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی، تلاش برای مهار تورم، اصلاح نظام مالیاتی، توسعه عمران روستایی، اشتغال‌زایی، حفظ امنیت سرمایه‌گذاری، فراهم ساختن امنیت غذایی، اصلاح نظام پولی، پرهیز از سلطه بیگانگان در جذب منابع خارجی و آموزش نیروی انسانی در همه سطوح بوده است.

- برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴): برنامه چهارم توسعه به‌عنوان اولین برنامه میان‌مدت در جهت سند چشم‌انداز توسعه، با هدف تسریع رشد اقتصادی، افزایش توان رقابت‌پذیری اقتصاد، تعامل فعال با اقتصاد جهانی، توسعه مبتنی بر دانایی، توسعه پایدار و حفظ محیط زیست و برقراری توازن منطقه‌ای، توسعه سلامت و بهبود کیفیت زندگی، تأمین امنیت انسانی، حرکت در راستای برقراری عدالت اجتماعی و نیز صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی و ایرانی تدوین شد. در ضمن تحقق حداقل رشد اقتصادی ۸ درصدی، رشد ۳/۵ درصدی بهره‌وری نیروی کار، رشد ۱۰/۷ درصدی صادرات غیرنفتی، کنترل رشد نقدینگی حدود ۲۰ درصد و کاهش تورم به ۹/۹ درصد از مهم‌ترین اهداف کمی برنامه چهارم توسعه بودند. در بخش اجتماعی نیز کاهش ضریب جینی به ۰/۳۸ درصد،

بهبود شاخص توسعه انسانی به ۰/۸۲ و افزایش امید به زندگی به ۷۳ سال در پایان برنامه چهارم (سال ۱۳۸۸) از مهم‌ترین اهداف کمی ترسیم شده برنامه چهارم محسوب می‌شوند.

- برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰): برنامه پنجم توسعه نیز به‌عنوان دومین برنامه پنج‌ساله سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، با هدف تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸ درصد، توسعه سرمایه‌گذاری و جذب منابع و سرمایه‌های خارجی، ارتقای سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی به یک‌سوم در پایان برنامه؛ قطع وابستگی بودجه به نفت تا پایان برنامه و واریز سالانه حداقل ۲۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فراورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی، واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و تعاونی ذیل سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، توسعه صادرات به‌ویژه در بخش خدمات با فناوری بالا به‌نحوی که کسری تراز بازرگانی بدون نفت کاهش یافته و توازن در تجارت خدمات ایجاد شود، رساندن نرخ بیکاری در کشور به ۷ درصد و کاهش فاصله دو دهک بالا و پایین درآمدی جامعه به‌طوری که ضریب جینی حداکثر ۳۵ درصد در پایان برنامه باشد، تدوین و اجرایی شد.

لذا در مجموع با توجه به اهداف کلان اقتصادی مدنظر سند چشم‌انداز و جامعه ایرانی ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و اهداف برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، این ابعاد در محورهای کلی ششگانه دسته‌بندی می‌شوند: ۱. تولید و رفاه جامعه، ۲. شاخص‌های پولی و قیمت‌ها، ۳. بازار کار، اشتغال و بهره‌وری، ۴. عدالت، فقرزدایی و به دور از تبعیض و نابرابری، ۵. جهانی شدن اقتصاد، پیوندهای جهانی و تجارت خارجی، ۶. دولت و ساختار اقتصادی.

۲. مطالعات بین‌المللی در ساخت شاخص‌های ترکیبی اقتصادی

یکی از راه‌های یافتن مبانی نظری لازم برای ساخت شاخص ترکیبی اقتصادی سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، بررسی تقسیم‌بندی و بازشناسی متغیرهایی است که سازمان‌های بین‌المللی از آن به‌عنوان مجموعه‌ای استفاده کرده‌اند که نشانگر وضعیت اقتصادی کشورهاست. از این رو در این مقاله چارچوب‌ها، راهکارها، نحوه ارزیابی وضعیت اقتصادی و مؤلفه‌های شاخص‌های ترکیبی از دیدگاه تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی

ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز _____ ۲۱۵
پول،^۱ بانک جهانی^۲ و سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، مورد بررسی قرار گرفت که در ادامه صرفاً به اهداف و محورهای شاخص‌های ترکیبی مورد استفاده این سازمان‌های بین‌المللی اشاره می‌شود (مرکز تحقیقات استراتژیک، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳).

۱-۲. صندوق بین‌المللی پول

صندوق بین‌المللی پول یک سازمان بین‌المللی است که اهداف زیر را دنبال می‌کند: تلاش برای پرورش و سرپرستی همکاری‌های پولی جهان؛ حفظ ثبات مالی؛ تسهیل تجارت جهانی؛ ترویج اشتغال بالا و رشد اقتصادی پایدار؛ کاهش فقر (World Bank, 2015).^۳
صندوق بین‌المللی پول با توجه به اهداف بالا اقدام به ارزیابی وضعیت اقتصادی کشورها می‌کند. در گزارش صندوق بین‌المللی پول، شاخص‌های اقتصادی را که از نظر این سازمان بیانگر وضعیت اقتصادی کشورهاست، در یک تقسیم‌بندی چهارگانه ارائه می‌دهد. این تقسیم‌بندی به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. حساب‌های ملی،
۲. پولی،
۳. مردم،
۴. تراز پرداخت‌ها.

۲-۲. سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی

این سازمان حائز اختیارات وسیعی است که مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این کشورها را دربرمی‌گیرد. اهداف اصلی سازمان به این ترتیب است: حمایت از رشد اقتصادی پایدار؛ افزایش و رونق اشتغال؛ بالا بردن سطح و استاندارد زندگی؛ حفظ ثبات مالی؛ کمک به توسعه اقتصادی سایر کشورها و کمک به رشد در تجارت جهانی (OECD, 2014).
این سازمان با توجه به اهداف بالا، به دنبال تحلیل و ارزیابی عملکرد کشورها از طریق

1. International Monetary Fund (IMF)
2. World Bank

۳. وب‌سایت رسمی صندوق بین‌المللی پول.

شاخص‌های ترکیبی است. بنابر گزارش‌های تحلیلی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ارزیابی وضعیت اقتصادی در هفت محور صورت می‌پذیرد عبارت‌اند از:

۱. آمارهای مالی،
۲. آمارهای صنعت و خدمات،
۳. آمارهای نیروی کار،
۴. نماگرهای پیش‌نگر (آینده‌نگر) و آمارگیری‌های مربوط به تمایلات،
۵. حساب‌های ملی،
۶. قیمت‌ها و برابری قدرت خرید،
۷. آمارهای بهره‌وری.

۲-۳. بانک جهانی

هدف اصلی و مبنایی بانک جهانی کمک به کشورهای در حال توسعه و شهروندان آن برای دستیابی به توسعه و کاهش فقر از جمله دستیابی به اهداف توسعه هزاره، از طریق کمک به کشورها در ایجاد فضای سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد پایدار است. بنابراین بالا بردن رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری و ایجاد موقعیت بهره‌برداری فقرا از سهم خویش از رشد اقتصادی از جمله اهداف مهم بانک جهانی است. بانک جهانی پنج اصل لازم برای دستیابی به رشد بالا و خلق یک فضای ترویج بازرگانی را به قرار زیر می‌داند:

۱. ساخت ظرفیت: از طریق تحکیم دولت‌ها و تعلیم و تربیت سران دولت‌ها،
۲. خلق زیربنای لازم: از طریق اجرایی کردن سیستم‌های حقوقی و قانونی برای تشویق بازرگانی، حمایت از افراد، حقوق مالکیت و احترام به قراردادها،
۳. توسعه نظام‌های مالی: از طریق تأسیس نظام‌های قوی که قدرت تضمین تلاش‌ها برای برنامه‌هایی مثل اعتبارات خرد یا حتی تأمین مالی شرکت‌های مالی بزرگ را دارا باشند،
۴. مبارزه با فساد: از طریق حمایت از تلاش کشورها برای از بین بردن فساد،
۵. تحقیق، مشاوره و کارآموزی.

از این رو بانک جهانی اقدام به انتشار گزارش‌هایی در راستای ارزیابی کشورها در خصوص اعمال پنج اصل بالا در جهت نیل به اهداف بانک می‌کند. یکی از مقدم‌ترین این گزارش‌ها، «نماگرهای توسعه جهانی»^۱ است. این گزارش مجموعه‌ای از داده‌های سالانه در خصوص توسعه کشورها می‌باشد. به طوری که گزارش سال ۲۰۱۴ آن شامل بیش از ۸۰۰ نماگر در شش محور زیر است:

۱. چشم‌انداز جهانی،

۲. مردم،

۳. محیط زیست،

۴. اقتصاد،

۵. دولت‌ها و بازارها،

۶. پیوندهای جهانی.

۳. ارزیابی مقایسه‌ای عملکرد برنامه‌های توسعه از حیث تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز

بعد از انقلاب اسلامی ایران، تاکنون پنج برنامه توسعه اجرا شده است، لذا تحلیل عملکرد برنامه‌های توسعه ایران در جهت‌گیری و تحقق اهداف کلان اقتصادی سند چشم‌انداز از دو منظر بررسی می‌شود: ۱. تحلیل توصیفی و کتابخانه‌ای و ۲. تحلیل کمی براساس ساخت شاخص‌های ترکیبی به روش فاصله از مرجع که روش پیشنهادی سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان توسعه و همکاری اقتصادی است.^۲

در بخش تحلیل توصیفی و کتابخانه‌ای، اهداف و عملکردهای اقتصادی برنامه‌های توسعه براساس معیارها و شاخصه‌هایی نظیر: تولید و رشد اقتصادی، تورم، تحولات ارزی، بازار کار، اشتغال و بهره‌وری، توزیع درآمد، سیاست‌های تجاری، خصوصی‌سازی، اندازه و دخالت دولت در اقتصاد، براساس آمار و اطلاعات و نیز گزارش‌های دوره‌ای مراجع

1. World Development Indicators

۲. نحوه ساخت شاخص ترکیبی به صورت مبسوط در Handbook on Constructing Composite Indicators آورده شده که در سال ۲۰۱۴ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی منتشر کرده است.

رسمی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سپس در بخش تحلیل کمی به منظور سنجش و ارزیابی مقایسه‌ای عملکرد اقتصادی برنامه‌های توسعه در راستای اهداف چشم‌انداز مبتنی بر ساخت شاخص ترکیبی گام‌های زیر طی شد:

- گام اول: با توجه به اهداف مصرح در سند چشم‌انداز، اهداف سیاست‌های کلی برنامه و نیز نظرات خبرگی، محورهای اصلی و فرعی تعیین شدند. شایان ذکر است برای نظرسنجی درخصوص انتخاب محورها، پرسشنامه طراحی و نظر ۳۰ صاحب‌نظر مسائل اقتصادی اخذ شد. اهمیت محورها با مقیاس طیف لیکرت (از خیلی زیاد (امتیاز ۵) تا خیلی کم (امتیاز ۱)) از دید هر صاحب‌نظر مشخص شد. سپس روایی و پایایی پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ آزمون گردید و چون ضریب اعتبار ۰/۸۴ محاسبه شد، لذا نشانگر همسانی و ثبات درونی پرسشنامه و سؤال‌ها بود. در نتیجه از بین محورهای متعدد، شش محور اصلی با ۴۹ محور فرعی در حوزه اقتصادی به‌عنوان معیارهای بازگوکننده اهداف اقتصادی سند شناسایی و انتخاب شدند.

- گام دوم: گام بعدی هم‌جهت کردن متغیرها - محورهای فرعی - بود. متغیرهایی که با اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه رابطه منفی داشتند، برای هم‌جهت شدن عکس شدند.

- گام سوم: نرمال‌سازی متغیرها بود. همه متغیرها طی فرایند نرمال‌سازی به مجموعه جدیدی تبدیل می‌شوند که امکان مقایسه مقادیر تمامی متغیرها را فراهم می‌کند. در مقاله حاضر برای نرمال‌سازی از روش فاصله از مرجع بهره گرفته شد. لذا براساس این روش نرمال‌سازی که روش پیشنهادی سازمان‌های بین‌المللی در ساخت شاخص‌های ترکیبی است، شاخص ترکیبی پنج برنامه توسعه برای هر یک از محورهای ششگانه محاسبه شد.

- گام چهارم: محاسبه میانگین حسابی ساده محورهای فرعی برای به‌دست آوردن محورهای اصلی و سپس میانگین حسابی شش محور اصلی برای محاسبه شاخص نهایی بود. از این‌رو در این مرحله شاخص نهایی ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه به روش میانگین رتبه‌ای از شش محور اصلی محاسبه شد تا مشخص شود کدام برنامه همسویی و هم‌راستایی بیشتری در جهت تحقق اهداف کلان اقتصادی اسناد بالادستی داشته است.

ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز _____ ۲۱۹

۳-۱. تحلیل توصیفی و کتابخانه‌ای از عملکرد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه^۱ به منظور جمع‌بندی از عملکرد برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی در جهت تحقق اهداف اقتصادی سند و سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه‌های توسعه، به‌طور خلاصه تهیه شد تا به‌صورت مقایسه‌ای امکان ارزیابی توصیفی از جهت‌گیری‌ها و عملکرد برنامه‌ها مقدور شود.

۳-۱-۱. عملکرد شاخص رشد اقتصادی

نرخ رشد اقتصادی کشور از سال‌های ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۹۴ به تفکیک برنامه‌های توسعه پنج‌ساله در جدول زیر آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود برنامه اول بالاترین و برنامه پنجم توسعه کمترین رشد اقتصادی را داشته است.

جدول ۱. وضعیت رشد اقتصادی در برنامه‌های توسعه

عنوان	برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه پنجم ۱۳۹۰-۱۳۹۴
متوسط رشد اقتصادی	۷/۴	۳/۲	۶/۱	۴/۴	-۰/۳۸

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸-۱۳۹۵).

۳-۱-۲. عملکرد شاخص نرخ تورم

در مجموع دوره هشت‌ساله ۱۳۶۸-۱۳۶۰ میانگین نرخ تورم ۱۹/۳ درصد بود. بعد جنگ نرخ تورم یک سیر صعودی داشته و به ۴۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید تا بیشترین نرخ تورم اقتصاد ایران بعد از انقلاب اسلامی ثبت شود. در مجموع متوسط نرخ تورم در دولت سازندگی به ۲۵/۲ درصد رسید که بالاترین میانگین نرخ تورم در میان دولت‌های بعد از انقلاب به‌شمار می‌رود. در برنامه دوم توسعه، تورم با تمهیداتی همچون تأسیس حساب ذخیره ارزی کاهش یافت. متوسط نرخ تورم در دوره برنامه سوم توسعه نیز به ۱۵/۷ درصد رسید که پایین‌ترین متوسط نرخ تورم در میان برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب به‌شمار می‌رود. در

۱. این بخش از تحلیل‌های توصیفی و کتابخانه‌ای جمع‌بندی از کتاب‌های نیلی و همکاران (۱۳۹۱)، دژپسند و رثوفی (۱۳۸۷)، گزارش‌های پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۵) و دانش‌جعفری و شقافی شهری (۱۳۹۳) است.

سال‌های برنامه چهارم توسعه به دلایل مختلف نظیر عدم انضباط مالی و پولی و نیز وضع تحریم‌های بین‌المللی، نرخ تورم از ۱۰/۸ درصد سال ۱۳۸۸ به ۳۰/۵ درصد سال ۱۳۹۱ افزایش یافت و در سال ۱۳۹۲ نیز ۳۴/۷ درصد ثبت شد. متوسط نرخ تورم برنامه چهارم توسعه حدود ۱۷/۶۶ درصد گزارش شده است. در ضمن در اواخر برنامه پنجم توسعه، ارائه تصویر مثبت و روبه بهبود از فضای بین‌المللی در کنار اتخاذ سیاست‌های انضباط مالی و کنترل رشد پایه پولی توانست به کاهش نرخ تورم از حدود ۳۵ درصد سال ۱۳۹۱ به تورم تک‌رقمی منجر شود.

جدول ۲. وضعیت نرخ تورم در برنامه‌های توسعه

عنوان	برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه پنجم ۱۳۹۰-۱۳۹۴
نرخ تورم (درصد)	۱۸/۸	۲۵/۶۲	۱۴/۲	۱۵/۳۸	۲۲/۸۴

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۵).

۳-۱-۳. عملکرد شاخص تحولات ارزی

در خصوص نظام ارزی، از سال ۱۳۶۷ و طی برنامه اول توسعه، نظام شناور مدیریت شده و تک‌نرخ نمودن ارز بر بازار حاکم شد. در فروردین سال ۱۳۷۲ سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به اجرا درآمد و نرخ‌های سه‌گانه ملغی اعلام شد و نرخ جدید ۱۵۰۰ ریال بر هر دلار انتخاب شد. در برنامه سوم توسعه عمدتاً در قالب سیاست تثبیت و پذیرش نظام چندنرخ ارز عمل شد. در نهایت در سال ۱۳۸۱ دولت سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز اعمال کرد. شکاف قابل توجه بین نرخ رسمی و بازار آزاد در نیمه اول ۱۳۸۹، شکل‌گیری بحران ارزی از نیمه دوم ۱۳۹۰ و تشدید آن در سال ۱۳۹۱ به دنبال تشدید تحریم‌های بین‌المللی و شکل‌گیری نظام چندگانه ارزی، در برنامه چهارم توسعه رخ داد. در ضمن کاهش نوسانات نرخ ارز و ایجاد ثبات در نرخ دلار در کنار عدم توفیق در آزادسازی و یکسان‌سازی نرخ ارز در برنامه پنجم بود.

۳-۱-۴. عملکرد شاخص بازار کار و اشتغال

سیاست‌هایی برای توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و حمایت از صنایع کوچک، اصلاح قوانین و مقررات در جهت تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی و توسعه بازار کار از جمله سیاست‌های اتخاذ شده در برنامه اول توسعه بوده است. عملکرد برنامه نشان می‌دهد تحقق اهداف پیش‌بینی شده تا حدودی از موفقیت نسبی برخوردار بوده است.

در برنامه سوم توسعه اصلاح قوانین و مقررات بازار کار در کنار اجرای سیاست‌های فعال بازار کار و ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های بخش غیردولتی به منظور افزایش فرصت‌های شغلی در مقایسه با برنامه‌های گذشته فعال‌تر شده و اثر این تحرک در بهبود نسبی عملکرد اشتغال مشهود بوده است.

اعطای تسهیلات اشتغال‌زایی و توسعه صنایع کوچک و متوسط (بنگاه‌های زودبازده) و کسب و کارهای خانگی به عنوان محورهای اولویت‌دار سیاست‌ها و خط‌مشی‌های برنامه چهارم توسعه انتخاب شدند. با این حال عملکرد برنامه چهارم توسعه در اشتغال‌زایی از طریق بنگاه‌های زودبازده و مشاغل خانگی و کارآفرینی موفقیت‌آمیز نبوده به طوری که طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ به طور متوسط سالانه حدود ۱۴ هزار شغل ایجاد شد که با ۲/۵ میلیون اشتغال وعده داده شده دولت تفاوت فاحش داشت. طی برنامه پنجم توسعه هم در خصوص افزایش اشتغال سیاست مشخصی ارائه نشد و اتکای اشتغال به رشد اقتصادی به عنوان راهبرد اصلی دنبال شد.

جدول ۳. وضعیت نرخ بیکاری در برنامه‌های توسعه

عنوان	برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه پنجم ۱۳۹۰-۱۳۹۴
نرخ بیکاری (درصد)	۹/۱	۱۳/۰۳	۱۲/۶۸	۱۱/۱۲	۱۱/۲۸

مأخذ: مرکز آمار ایران.

۳-۱-۵. عملکرد شاخص بهره‌وری

همان‌طور که مشاهده می‌شود متوسط رشد بهره‌وری نیروی کار در برنامه پنجم نسبت به برنامه‌های ماقبل کمتر بوده است. همچنین بهره‌وری کل عوامل تولید در برنامه اول تا پنجم

روندی کاهنده دارد. در ضمن برآوردهای صورت گرفته از سهم رشد بهره‌وری نیز حاکی از این است که در بین برنامه‌های پنج‌ساله مورد بررسی، برنامه سوم با سهم ۲۹/۹ درصدی بهره‌وری کل عوامل تولید از رشد اقتصادی، بهترین عملکرد را در بین برنامه‌های توسعه داشته است.

جدول ۴. وضعیت بهره‌وری در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

عنوان	برنامه اول توسعه ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم توسعه ۱۳۷۳-۱۳۷۸	برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۰-۱۳۹۴
رشد بهره‌وری نیروی کار	۳/۴۲	۱/۵۲	۲/۱۹	۳/۳۱	-۱/۲۲
رشد بهره‌وری سرمایه	۰/۹۳	۰/۸۵	۱/۲۴	-۰/۴۴	-۲/۸۹
رشد بهره‌وری کل اقتصاد	۲/۱۷	۱/۱۸	۱/۷۲	۱/۴۳	-۲/۰۵

توضیح: آمار و اطلاعات سال ۱۳۹۴ منتشر نشده است.

مأخذ: سازمان ملی بهره‌وری ایران.

۶-۱-۳. عملکرد شاخص کاهش نابرابری و توزیع درآمد

شاخص نسبت دهک بالا به پایین طی برنامه اول توسعه، کاهش محسوسی نداشته و تقریباً ثابت ماند و ضریب جینی آن ۰/۳۹۸ بوده است. در واقع در این دوره یکسان‌سازی نرخ ارز، آزادسازی قیمت‌ها و اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی و مالی موجب افزایش شدید قیمت‌ها و تحقق نرخ تورم ۴۹/۴ درصدی شد که این نرخ تورم با مقوله بهبود توزیع درآمدی رابطه عکس دارد و رویکردها عمدتاً اجرای سیاست‌های رونق تولید و رشد اقتصادی بود تا عدالت اجتماعی. در برنامه دوم توسعه در کنار بحث خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی، به مقوله عدالت اجتماعی نیز توجه شد و نسبت دهک بالا به پایین از ۱۶/۱ در سال ۱۳۷۴ به ۱۵/۴ در سال ۱۳۷۸ بهبود یافت و طی برنامه سوم نیز از رقم ۱۵ در سال ۱۳۷۹ به ۱۴/۶ در سال ۱۳۸۳ کاهش یافت. ولی ضریب جینی به بالای ۰/۴ رسید. در برنامه چهارم توسعه، اتخاذ سیاست‌ها و طرح‌هایی نظیر مسکن مهر و توزیع یارانه نقدی به اقشار مختلف مردم موجب شد شاخص نسبت دهک بالا به پایین از ۱۴/۵ سال ۱۳۸۴ به ۱۴/۱ در

ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز _____ ۲۲۳

سال ۱۳۸۸ و ۱۰/۷۹ در سال ۱۳۹۱ کاهش یافت. ضریب جینی نیز به ۰/۳۸ تنزل یافت. در خصوص توزیع درآمد در برنامه پنجم توسعه ضریب جینی به ۰/۳۹ افزایش داشته و شواهد قوی دال بر بهبود وضعیت توزیع درآمد مشاهده نمی‌شود.

جدول ۵. وضعیت شاخص‌های توزیع درآمد در برنامه‌های توسعه

دوره و برنامه‌های توسعه	دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۷	برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۱۳۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۱۳۸۸	برنامه ۱۳۹۰-۱۳۹۴
ضریب جینی	۰/۴۱۷	۰/۳۹۸	۰/۳۹۹	۰/۴۰۶	۰/۳۹۶۸	۰/۳۷۵
شهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین جمعیت	۱۹/۷۱۸	۱۶/۳۴۰	۱۵/۱۸۰	۱۵/۴۲	۱۴/۴۴	۱۱/۵۱

مأخذ: مرکز آمار ایران.

۷-۱-۳. عملکرد شاخص سیاست‌های تجاری

جدول ۶. وضعیت شاخص‌های بخش تجارت خارجی در برنامه‌های توسعه

ارزش به میلیارد دلار	متوسط ۱۳۵۸-۱۳۶۷	متوسط ۱۳۶۸-۱۳۷۵	متوسط ۱۳۷۶-۱۳۸۳	متوسط ۱۳۸۴-۱۳۹۲
واردات کالا	۱۲/۷	۱۷/۵	۲۰/۶	۳۶/۶
صادرات غیرنفتی	۰/۶	۲/۹	۴/۸	۱۹/۷
صادرات نفت و گاز	۱۲/۲۶	۱۵/۸	۲۱/۷	۷۹/۱
کسری تجاری بدون نفت	۱۲/۲	۱۴/۶	۱۵/۸	۴۳/۹
باز بودن تجاری (درصد)	۱۹/۳	۴۰/۹	۴۰/۲	۴۵/۱
نفوذ واردات (درصد)	۹	۱۹	۱۷	۱۷/۶

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه و محاسبات تحقیق.

۸-۱-۳. اندازه دولت

در مجموع برنامه اول توسعه کمترین و برنامه چهارم توسعه به‌رغم ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، بیشترین اندازه و تصدی‌های دولت در اقتصاد را داشته است.

جدول ۷. وضعیت شاخص‌های اندازه دولت در برنامه‌های توسعه

دوره	شوکت نفتی	انقلاب و جنگ	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
سال	۱۳۵۲-۱۳۵۷	۱۳۵۸-۱۳۶۷	۱۳۶۸-۱۳۷۲	۱۳۷۳-۱۳۷۸	۱۳۷۹-۱۳۸۳	۱۳۸۴-۱۳۸۸	۱۳۹۰-۱۳۹۴
اندازه دولت مرکزی (نسبت بودجه عمومی به تولید)	۴۵/۱	۲۷/۳	۱۷/۴	۲۲/۱	۲۰/۶	۲۳/۸	۲۱/۹
اندازه بخش عمومی	۶۳/۱	۴۰/۸	۳۹/۳	۵۰/۶	۵۳	۷۳/۳	۷۰/۴

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه و محاسبات تحقیق.

۹-۱-۳. عملکرد شاخص خصوصی سازی

نخستین برنامه خصوصی سازی پس از جنگ تحمیلی مقارن با برنامه اول آغاز شد. شواهد حاکی از آن است که در برنامه اول توسعه سیاست خصوصی سازی به دلیل ضعف ساختارها و نهادهای قانونی و نبود مقررات کافی برای این امر چندان توفیقی نیافته است. در برنامه دوم توسعه نیز به سبب بروز پاره‌ای از مشکلات، نقش بخش خصوصی به عنوان خریدار به تدریج کم‌رنگ شد و جای خود را به سازمان‌های دولتی و بانک‌ها واگذار کرد. برنامه سوم نقطه عطفی در خصوصی سازی کشور بود. با مقایسه آماری مربوط به واگذاری‌های انجام شده طی این دوره ملاحظه می‌شود که ارزش سهام واگذار شده طی این دوره نسبت به برنامه‌های قبلی توسعه به طور محسوسی بیشتر بوده است. ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ و متعاقب آن در ۱۳۸۶ شرایط را برای سرعت بخشیدن به خصوصی سازی فراهم کرد. در مجموع عملکرد برنامه چهارم نشان می‌دهد گرایش چندانی به سمت واگذاری به بخش خصوصی واقعی و توسعه جدی بخش خصوصی وجود نداشت و عمدتاً خصوصی سازی در قالب توسعه مؤسسات عمومی غیردولتی و توزیع سهام عدالت دنبال شد. در برنامه پنجم نیز دستاورد چشمگیری در جلب و توسعه بخش خصوصی در اقتصاد ایجاد نشد.

ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز _____ ۲۲۵

۳-۲. ساخت شاخص ترکیبی و ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه از منظر اهداف اقتصادی چشم‌انداز

ابتدا مراحل ساخت شاخص ترکیبی معرفی و سپس ارزیابی برنامه‌های توسعه طبق شاخص ترکیبی صورت خواهد گرفت.

۱-۲-۳. چارچوب نظری ساخت شاخص‌های ترکیبی^۱

شاخص‌ها و نماگرهای ترکیبی از مؤثرترین ابزارهای ارزیابی عملکرد به‌شمار می‌آیند. در حال حاضر OECD و JRC^۲ به‌عنوان اصلی‌ترین متولیان ترویج استفاده از شاخص‌های ترکیبی هستند. به‌صورت خلاصه چارچوب نظری و مراحل ساخت این شاخص‌ها به‌صورت زیر است:

گام اول - چارچوب نظری: به‌عنوان اولین و پایه‌ای‌ترین گام باید در ابتدا چارچوب نظری را برای فراهم آوردن بنیان انتخاب یا ترکیب نماگرهای منفرد در یک نماگر ترکیبی معنادار شکل داد. لذا یک چارچوب نظری مناسب نقطه آغازین ایجاد و ساخت نماگرهای ترکیبی است. چارچوب مورد نظر باید به روشنی پدیده مورد نظر را اندازه‌گیری کند و مؤلفه‌های فرعی آن تعریف شود و همچنین روش انتخاب نماگرهای منفرد و وزن‌هایی که منعکس‌کننده اهمیت نسبی این نماگرهای منفرد است و ابعاد ترکیبی کلی آن را توضیح دهد.

گام دوم - انتخاب متغیرها: باید توجه داشت که یک نماگر ترکیبی در سطحی بالاتر از مجموع تمام اجزایش قرار دارد. نقاط قوت و ضعف شاخص‌های ترکیبی عمدتاً ناشی از کیفیت متغیرهای اصلی است. نوع متغیرهایی که انتخاب شده‌اند، نماگرهای ورودی، خروجی و یا نماگرهای طی فرایند، باید با تعریف قرار داده شده در نماگر ترکیبی سازگار شود.

گام سوم - انتساب داده‌های گمشده: داده‌های گمشده معمولاً مانع از ایجاد و بسط نماگرهای ترکیبی قدرتمند می‌شوند. سه روش کلی برای حل مشکل داده‌های گمشده وجود دارد: ۱. حذف مورد، ۲. انتساب منفرد و ۳. انتساب چندگانه.

گام چهارم - تحلیل چندمتغیره: متأسفانه گاهی اوقات نماگرهای منفرد به‌صورت دلخواه

۱. مطالب این مبحث برگرفته از Handbook on Constructing Composite Indicators است که در سال ۲۰۱۴

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی منتشر کرد.

انتخاب می‌شوند و در انتخاب آنها توجه چندانی به روابط بین آنها نمی‌شود. این مسئله می‌تواند به گمراهی و دستپاچگی تصمیم‌سازان و آحاد جامعه منجر شود. طبیعت بنیادین داده‌ها نیازمند آن است که قبل از ساختن شاخص ترکیبی به دقت تحلیل شوند. اطلاعات می‌تواند حداقل در دو بعد از مجموعه داده‌ها یعنی نماگرهای منفرد و گروهی، تحلیل و گروه‌بندی شود.

گام پنجم - نرمال‌سازی داده‌ها: نرمال‌سازی قبل از هرگونه تجمیع‌سازی داده‌ها جهت ایجاد یک نماگر روی مجموع داده‌ها که واحدهای اندازه‌گیری متفاوتی دارند، مورد نیاز است. تعدادی از روش‌های نرمال‌سازی عبارت‌اند از: رتبه‌بندی؛ استانداردسازی؛^۱ روش Min-Max؛ روش مقیاس‌گذاری طبقه‌ای؛ روش فاصله از یک مرجع.

مبنای نرمال‌سازی برای ساخت شاخص ترکیبی در این مقاله، روش فاصله از مرجع است. این روش جایگاه نسبی یک نماگر را در مقایسه با یک نقطه مرجع اندازه می‌گیرد. این مسئله می‌تواند هدفی برای دستیابی به یک چارچوب زمانی باشد. برای مثال پروتکل کیوتو کاهش ۷ درصدی آلودگی گاز کربنیک را برای اعضای اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۱۰ به‌عنوان یک هدف مدنظر قرار داده است. مرجع در این حالت، می‌تواند یک کشور به‌عنوان مقیاس باشد. کشور مرجع می‌تواند نقش رهبر یک گروه از کشورها را ایفاء کند که آن کشور مذکور عدد ۱ و دیگر کشورها مقدار عددی (به درصد) دوری از رهبر را به خود اختصاص می‌دهند.

گام ششم - وزن‌دهی و تجمیع‌سازی: در تهیه شاخص‌های ترکیبی گاهی اوقات لازم است تا وزن و درجه‌ای از اهمیت برای هر یک از نماگرها و شاخص‌های انفرادی در ایجاد شاخص ترکیبی، محاسبه شود. برخی از انواع معروف این روش‌های وزن‌دهی عبارت‌اند از:

الف) وزن‌دهی براساس تحلیل مؤلفه‌های اصلی یا تحلیل عاملی،

ب) روش تحلیل پوششی داده‌ها،

ج) روش BOD،^۲

د) مراجعه به افکار عمومی (خرد جمعی)،

ه) تحلیل توأم.^۳

1. Z-score

2. Benefit Of the Doubt (BOD)

3. Conjoint Analysis

ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز _____ ۲۲۷

در خصوص روش‌های تجمیع^۱ نیز یکی از ساده‌ترین روش‌های تجمیع جمعی، محاسبه رتبه‌های هر کشور با توجه به شاخص‌های منفرد و جمع کردن رتبه‌های منتج است.

گام هفتم - تحلیل قدرت^۲ و حساسیت^۳: تحلیل حساسیت برای ارزیابی قدرت نماگرهای ترکیبی به کار می‌رود. راهکاری که برای ارزیابی عدم قطعیت می‌تواند به کار رود شامل مراحل زیر خواهد بود:

۱. حذف یا در نظر گرفتن نماگرهای منفرد؛ ۲. مدل‌سازی خطای داده‌ها بر مبنای اطلاعات موجود در خصوص برآورد واریانس؛ ۳. به کارگیری روش‌ها و طرح‌های ویرایش مختلف مانند انتساب‌های منفرد یا چندگانه؛ ۴. به کارگیری روش‌ها و طرح‌های مختلف نرمال‌سازی داده‌ها مانند روش Min-Max، استانداردسازی یا رتبه‌بندی؛ ۵. به کارگیری روش‌های مختلف وزن‌دهی؛ ۶. به کارگیری سیستم‌های مختلف تجمیع‌سازی مانند خطی، میانگین هندسی متغیرهای مقیاس‌بندی شده و مرتب‌سازی چندمعیاره؛ ۷. به کارگیری مقادیر موجه و پذیرفتنی مختلف برای وزن‌دهی.

گام هشتم - نمایش و انتشار: در هر حال برای نمایش اولیه نماگرهای ترکیبی باید دقت کرد که چه روشی اعم از نمودار، جدول و ... و کدام نوع از نمودارها و جداول درست و بجا بوده و می‌توانند حداکثر شفافیت را به وجود آورند.

۲-۲-۳. محاسبه شاخص ترکیبی ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه از منظر اهداف اقتصادی چشم‌انداز

بر اساس محورهای ششگانه اصلی اشاره شده، اجزای تشکیل‌دهنده آنها یا همان محورهای فرعی، به شرح جداول زیر معرفی می‌شوند:

محور اصلی - تولید و رفاه جامعه: این محور به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین اجزای وضعیت اقتصادی در دنیاست. اجزای تشکیل‌دهنده این محور به عنوان محورهای فرعی بر اساس نوع تأثیر آنها در تعیین محور اصلی عبارت‌اند از:

1. Aggregation Method
2. Robustness Analysis
3. Sensitivity Analysis

جدول ۸. محورهای فرعی مؤثر در تولید و رفاه در جامعه

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	مثبت	تولید ناخالص داخلی (براساس قیمت‌های جاری)
۲	مثبت	رشد اقتصادی (براساس درصد تغییر در تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری)
۳	مثبت	تولید ناخالص داخلی (براساس برابری قدرت خرید)
۴	مثبت	تولید ناخالص داخلی سرانه (براساس قیمت‌های جاری)
۵	مثبت	تولید ناخالص داخلی سرانه (براساس برابری قدرت خرید)
۶	مثبت	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (به صورت درصدی از GDP)
۷	مثبت	پس انداز ناخالص (به صورت درصدی از GDP)

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

متغیرهای فوق‌الذکر از بین تعداد بیشتری از متغیرهایی که بر تولید و رفاه جامعه تأثیرگذارند انتخاب شدند. برای محاسبه شاخص ترکیبی محور تولید و رفاه در جامعه، هفت محور فرعی در نظر گرفته شد.

محور اصلی - شاخص‌های مالی و قیمت‌ها: این محور به عنوان نماگرگی از وضعیت سیاست‌های مالی و پولی هر کشور منعکس کننده میزان موفقیت یا عدم موفقیت کشورها در سیاست‌گذاری پولی و در نتیجه کنترل تورم است. متغیرهای مختلفی به عنوان محورهای فرعی این موضوع در نظر گرفته شد که پس از انجام مطالعات در این خصوص موارد ذیل انتخاب شدند:

جدول ۹. محورهای فرعی مؤثر در محور شاخص‌های مالی و قیمت‌ها

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	منفی	نرخ تورم (شاخص قیمت مصرف کننده)
۲	قدر مطلق منفی	مازاد/ کسری نقدینگی (درصدی از GDP)
۳	منفی	نرخ بهره سپرده‌ها
۴	قدر مطلق منفی	نرخ بهره واقعی
۵	منفی	شاخص نرخ ارز واقعی
۶	دووجهی ^۱	کل ذخایر ارزی

۱. تأثیر دووجهی به معنای این است که هم مقادیر بیش از حد بهینه آن و هم مقادیر کمتر از حد بهینه آن مناسب نیست و باید با توجه به شرایط اقتصادی کشورها تعیین شود.

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۷	منفی	نرخ ارز اسمی
۸	منفی	پول و شبه پول (درصد رشد سالانه)
۹	دووجهی	نسبت نقدینگی بخش خصوصی (درصدی از GDP)

مأخذ: همان.

شایان ذکر است پس از بررسی متغیرهای فوق‌الذکر و ارزیابی آنها با توجه به تجربیات و نظریات اقتصادی، بند هفتم و دهم به دلیل تأثیر دووجهی از بررسی حذف شدند.

محور اصلی - بازار کار، اشتغال و بهره‌وری: از جمله موارد مؤثر در بهبود وضعیت اقتصادی که در سند چشم‌انداز نیز به آن توجه فراوانی شده است موضوع بازار کار، اشتغال و بهره‌وری است. در برنامه‌های تدوین شده توسعه و همچنین در سیاست‌های کلان، کاهش نرخ بیکاری و افزایش بهره‌وری و تحقق حداقل ۳۰ درصد رشد اقتصادی از کانال بهره‌وری از جمله مواردی بود که دغدغه مسئولان را در پی داشته و در خصوص آن برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز صورت گرفته است. محورهای فرعی در نظر گرفته شده در این بخش به شرح ذیل است:

جدول ۱۰. محورهای فرعی مؤثر در محور بازار کار، اشتغال و بهره‌وری

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	منفی	نرخ بیکاری
۲	مثبت	بهره‌وری نیروی کار (GDP به ازای هر شاغل)
۳	مثبت	رشد بهره‌وری نیروی کار (نرخ رشد GDP به ازای هر شاغل)
۴	مثبت	شاخص بهره‌وری نیروی کار (GDP به ازای هر شاغل براساس $100 = 1383$)
۵	مثبت	نرخ مشارکت نیروی کار (به‌عنوان درصدی از افراد ۱۵ سال به بالا)
۶	مثبت	رشد بهره‌وری سرمایه
۷	مثبت	شاخص بهره‌وری سرمایه
۸	مثبت	متوسط افزایش سالانه شاغلان کل کشور (هزار نفر)

مأخذ: همان.

در بین این متغیرها، دو متغیر بهره‌وری نیروی کار (ردیف ۲) و شاخص بهره‌وری نیروی کار (ردیف ۴) به دلیل مفهوم تقریباً مشابه و همچنین وجود روند یکسان، تنها از

شاخص بهره‌وری نیروی کار استفاده شد. در ضمن برای سرمایه نیز از شاخص بهره‌وری سرمایه استفاده شد.

محور اصلی - جهانی شدن اقتصاد، پیوندهای جهانی و تجارت خارجی: از جمله ابزارهای سنجش موفقیت کشورها، توسعه همگرایی‌های اقتصادی و تبادلات تجاری با سایر کشورهاست که می‌تواند ملاک تعیین‌کننده‌ای جهت بهبود توان و قدرت اقتصادی و جایگاه قابل قبول در دنیا باشد. متغیرهای مختلفی در خصوص این محور مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت محورهای فرعی ذیل انتخاب شدند.

جدول ۱۱. محورهای فرعی مهم در محور جهانی شدن اقتصاد و پیوندهای جهانی

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	مثبت	تراز حساب جاری (براساس سهم از تولید داخلی)
۲	مثبت	سهم مجموع صادرات و واردات از GDP (باز بودن اقتصاد: درجه ارتباط با سایر کشورها)
۳	دووجهی ^۱	سهم واردات کالاها و خدمات از GDP
۴	مثبت	سهم صادرات کالاها و خدمات از GDP
۵	مثبت	جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (ورود سرمایه)
۶	مثبت	نتیجه رابطه مبادله بازرگانی
۷	مثبت	صادرات کالاها و خدمات (درصد از صادرات جهانی)
۸	دووجهی	واردات کالاها و خدمات (درصد از واردات جهانی)
۹	مثبت	شاخص آزادی اقتصادی
۱۰	منفی	زمان لازم برای شروع یک کسب‌وکار
۱۱	مثبت	اندازه بازار (تولید ناخالص داخلی)

مأخذ: همان.

برخی از متغیرهای جدول ۱۱ به دلیل نوع تأثیر دووجهی آنها در مقوله وضعیت اقتصادی، همچنین در خصوص بعضی دیگر به دلیل مشکل اصلی یعنی نبود آمار و اطلاعات، از چرخه بررسی حذف شدند. در نهایت متغیرهای باقی مانده که ملاک سنجش محور

۱. تأثیر دووجهی به مفهوم تأثیرگذاری از هر دو جنبه مثبت و منفی است و اطلاق یک تأثیر بدون در نظر گرفتن شرایط امکان‌پذیر نیست.

ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز _____ ۲۳۱

اصلی فوق‌تر قرار گرفتند عبارت‌اند از: تراز بازرگانی و حساب جاری، سهم مجموع صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی (شاخص باز بودن تجاری)، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (ورود سرمایه)، رابطه مبادله بازرگانی، صادرات کالاها و خدمات (درصدی از صادرات جهانی)، اندازه بازار.

محور اصلی - عدالت، فقرزدایی و به دور از تبعیض و نابرابری: از جمله محورهای مؤثر و مهم در ارزیابی وضعیت اقتصادی، «عدالت اقتصادی، فقرزدایی و مقابله با فساد و تبعیض» است. در این محور اصولاً از متغیرهایی استفاده می‌شود که در واقع اهرم‌های بالقوه برای تبیین حکمرانی خوب، توسعه یا عدم توسعه هستند. پس از تحقیق و بررسی در خصوص شناسایی این متغیرها، در نهایت محورهای فرعی محور عدالت، فقرزدایی و به دور از تبعیض و نابرابری به قرار ذیل انتخاب شدند:

جدول ۱۲. محورهای فرعی مؤثر در عدالت، فقرزدایی و به دور از تبعیض و نابرابری

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	مثبت	بهبود شاخص ادراک فساد*
۲	مثبت	کاهش جمعیت زیر خط فقر براساس خط فقر ملی
۳	مثبت	کاهش شکاف فقر براساس PPP در ۱/۲۵ دلار
۴	مثبت	شکاف فقر براساس PPP در ۲ دلار
۵	مثبت	کاهش ضریب جینی
۶	مثبت	سهم از درآمد توسط ۲۰٪ بالاترین درآمد
۷	مثبت	سهم از درآمد توسط ۲۰٪ پایین‌ترین درآمد
۸	مثبت	نرخ مرگ و میر کودکان زیر پنج سال در هر هزار نفر
۹	مثبت	ترویج برابری جنسیتی (نسبت ثبت‌نام دختران به پسران در مدارس ابتدایی)

* ارقام بالاتر شاخص درک فساد نشانگر وضعیت بهتر است. ارقام این شاخص بین ۱۰ تا ۱۰۰ می‌باشد.

مأخذ: همان.

در این محور نیز به دلیل انتشار آمار شاخص ادراک فساد از برنامه سوم توسعه به بعد و نبود انسجام آماری این محور فرعی کنار گذاشته شد.

محور اصلی - دولت و ساختار اقتصادی: در نظام‌های اقتصادی امروز دنیا، اقتصاد دولت محور

و اقتصادهای با اندازه قابل توجه دولت، جایی در توسعه ندارند. به عبارت بهتر کشورهای پیشرفته دنیا، اقدام به کاهش حجم و دخالت دولت کرده‌اند تا ابزارهای توسعه اقتصادی را که عموماً در دست دولت قرار داشت و از آنها به خوبی استفاده نمی‌شد، آزاد کرده و به افزایش بهره‌وری و کارایی در اقتصاد منجر شود. در این مقاله متأسفانه به دلیل نقصان شدید آمار و اطلاعات در این زمینه، پس از مطالعات انجام شده، تنها محورهای فرعی ذیل شناسایی شدند:

جدول ۱۳. محورهای فرعی مؤثر در محور اصلی دولت و ساختار اقتصادی

ردیف	نوع تأثیر	نام محور فرعی
۱	منفی	کل بدهی‌های دولت مرکزی (به عنوان درصدی از GDP)
۲	منفی	مخارج مصرفی نهایی دولت (درصدی از GDP)
۳	مثبت	درآمد حاصل از مالیات (درصدی از GDP)
۴	منفی	اندازه دولت (بودجه به تولید)
۵	مثبت	تعداد کارگاه‌های کوچک و متوسط از کل کارگاه‌های صنعتی کشور

مأخذ: همان.

با توجه به محورهای اصلی و فرعی فوق‌الذکر، در مقاله حاضر برای ساخت شاخص ترکیبی به روش فاصله از مرجع به صورت ذیل عمل شد: ابتدا بعد از تعیین محورهای فرعی محورهای ششگانه اصلی، در هر محور فرعی برای پنج برنامه توسعه آمار و اطلاعات جمع‌آوری و سپس بهترین عملکرد محور فرعی در بین برنامه‌های توسعه مشخص شد ($maxx_{ij}$) و برای آن برنامه در محور فرعی مذکور عدد یک یا ۱۰۰ منظور گردید و سایر برنامه‌های توسعه در آن محور فرعی مقدار عددی (به درصد) دوری از برنامه توسعه رهبر ($maxx_{ij}$) را به خود اختصاص دادند. سپس با وزن یکسان میانگین محورهای فرعی ذیل محور اصلی محاسبه شد که نشانگر امتیاز هر کدام از برنامه‌های توسعه در آن محور اصلی بودند. در نهایت با میانگین‌گیری رتبه‌ای، رتبه نهایی هر محور اصلی در برنامه‌های توسعه مشخص شد.

بدین ترتیب با توجه به محورهای اصلی ششگانه معرفی شده و محورهای فرعی مرتبط (۴۹ محور فرعی ذیل ۶ محور اصلی)، شاخص ترکیبی برای هر محور اصلی طبق روش فاصله از مرجع که روش پیشنهادی و مورد استفاده سازمان‌های بین‌المللی آماری نظیر بانک

جهانی و سازمان ملل است، ساخته و محاسبه شد. فرض می‌شود x محور اصلی نظیر محور تولید و رفاه داریم و x_{ij} ($i = 1, 2 \dots n$ $j = 1, 2 \dots m$) بیانگر محورهای فرعی محور اصلی (n محور فرعی و m مقطع، در اینجا $m=5$ برنامه توسعه) باشند. لذا در مقاله حاضر برای ساخت شاخص ترکیبی از فرایند ریاضی زیر استفاده شده است:

$$x_{ij} = (x_{1j}, x_{2j}, \dots, x_{nj}), j = 1 \dots 5 \rightarrow \max x_{ij} = (\max x_{1j}, \max x_{2j}, \dots, \max x_{nj}) \rightarrow$$

$$\max x_{ij} \equiv 100 \rightarrow (\max x_{1j} \equiv 100, \max x_{2j} \equiv 100, \dots, \max x_{nj} \equiv 100) \rightarrow$$

$$x'_{ij} = \frac{x_{ij} * 100}{\max x_{ij}}, i = 1 \dots n, j = 1 \dots 5 \rightarrow$$

$$\text{average } x'_{ij} = (\text{ave } x'_{i1}, \text{ave } x'_{i2}, \dots, \text{ave } x'_{im}) \rightarrow$$

$$\text{rank average } x'_{ij} \in (1, 5) \rightarrow \text{average rank } j, j = (1, 2 \dots 5)$$

i average x'_{ij} : نشانگر عملکرد برنامه j توسعه در محور فرعی i

طبق نتایج حاصله از ساخت شاخص ترکیبی به روش فاصله از مرجع برای محورهای ششگانه اصلی با وزن یکسان و نیز محاسبه میانگین رتبه‌ای از محورهای مذکور برای هر یک از برنامه‌های پنج‌ساله توسعه (از برنامه اول توسعه تا برنامه پنجم توسعه) مشاهده می‌شود که در مقایسه بین عملکرد برنامه‌های توسعه کشور از منظر جهت‌گیری به سمت اهداف مدنظر چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه، نزدیک‌ترین قرابت و هم‌راستایی با تحقق اهداف سند و بهترین عملکرد به ترتیب در برنامه‌های سوم توسعه (میانگین رتبه: ۱/۸۳)، برنامه اول توسعه (میانگین رتبه: ۲/۵)، برنامه دوم توسعه (میانگین رتبه: ۳/۳۳)، برنامه پنجم توسعه (میانگین رتبه: ۳/۵) و بالاخره برنامه چهارم توسعه (میانگین رتبه: ۳/۸۳) وجود دارد. درضمن:

- در محور اصلی تولید و رفاه، بهترین عملکرد در بین برنامه‌های پنج‌ساله را برنامه اول توسعه داشته است.
- در محورهای اصلی شاخص‌های مالی، قیمت‌ها و کنترل تورم و نیز در محور بازار کار، اشتغال و بهره‌وری، بهترین عملکرد را برنامه سوم توسعه داشته است.
- در محور جهانی شدن اقتصاد، پیوندهای تجاری و سیاست‌های بخش تجارت خارجی بهترین عملکرد در برنامه پنجم توسعه بوده است.
- برنامه چهارم توسعه بهترین وضعیت را در تحقق عدالت، فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمد داشته است.

- در زمینه کوچک‌سازی و متناسب‌سازی اندازه دولت و توسعه بخش خصوصی و غیردولتی نیز بهترین وضعیت در برنامه اول توسعه محقق شده است.
خلاصه نتایج در جدول ۱۴ به تفکیک محورهای اصلی و برنامه‌های توسعه آورده شده است.

جدول ۱۴. عملکرد برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در محورهای اصلی به روش فاصله از مرجع

برنامه پنج‌ساله توسعه	تولید ملی و رفاه	زبنه	شاخص‌های مالی، قیمتها و کنترل تورم	زبنه	بازار کار و اشتغال و بهره‌وری	زبنه	سیاست‌های تجاری، جهانی شدن اقتصاد	زبنه	عدالت، فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمد	زبنه	دولت و ساختار اقتصادی	زبنه	میانگین زبنه برنامه از محورهای اصلی
برنامه اول	۷۲.۵۲	۱	۵۵.۶۲	۲	۵۹.۷۲	۳	۵۲.۱۲	۴	۶۷.۶۲	۳	۶۱.۱۲	۱	۲.۵
برنامه دوم	۶۵.۲۳	۳	۴۹.۳۹	۴	۶۲.۸۹	۲	۵۵.۸۷	۳	۶۰.۳۳	۵	۵۶.۱۷	۲	۳.۳۳
برنامه سوم	۷۰.۵۱	۲	۶۷.۴۱	۱	۶۶.۵۳	۱	۵۷.۶۳	۲	۷۰.۵۱	۲	۵۹.۸۳	۲	۱.۸۳
برنامه چهارم	۶۴.۹۹	۴	۵۰.۸۷	۳	۴۶.۱۷	۵	۴۸.۸۵	۵	۷۸.۹۹	۱	۴۹.۶۵	۵	۳.۸۳
برنامه پنجم	۵۸.۸۲	۵	۴۸.۸۲	۵	۵۲.۱۲	۴	۶۱.۳۴	۱	۷۱.۵۲	۲	۵۰.۶۴	۴	۳.۵

مأخذ: همان.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مقاله حاضر با هدف ارزیابی مقایسه‌ای و تحلیل عملکرد اقتصادی برنامه‌های توسعه (برنامه اول تا پنجم توسعه) از زاویه میزان تحقق اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه‌ها تهیه شد. در واقع هدف مقاله، تبیین و تحلیل موشکافانه سه واژه به هم پیوسته یعنی سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه‌های توسعه، اقتصاد ایران و عملکرد اقتصادی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور بعد از انقلاب اسلامی بود. گفتنی است بعد از انقلاب اسلامی، تاکنون پنج برنامه توسعه تهیه و اجرا شده و کشور در آستانه تدوین برنامه ششم توسعه قرار دارد. همچنین از بین پنج برنامه توسعه تنها دو برنامه توسعه چهارم و پنجم بعد از ابلاغ سند چشم‌انداز (سال ۱۳۸۴) تهیه و اجرا شدند و برای سه برنامه اول تا سوم،

ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز _____ ۲۳۵

تنها سیاست‌های کلی برنامه حاکم بودند. در مجموع در این مقاله سعی شد عملکرد برنامه‌های توسعه ایران در جهت‌گیری و تحقق اهداف کلان اقتصادی چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه‌ها از دو منظر باشد: ۱. تحلیل توصیفی و کتابخانه‌ای عملکرد برنامه‌ها و ۲. تحلیل کمی براساس ساخت شاخص‌های ترکیبی آن هم به روش فاصله از مرجع که روش پیشنهادی سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی است.

برای این منظور ابتدا سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و جایگاه اهداف اقتصادی در این سند و نیز خلاصه اهداف کلان برنامه‌های توسعه تبیین شد. سپس چارچوب نظری ساخت شاخص‌های ترکیبی با مروری بر مبانی نظری این شاخص‌ها و روش به کاررفته در برخی از سازمان‌های بین‌المللی و با نگاه ویژه به ابعاد و حوزه‌های اقتصادی ارائه شد. در ادامه نیز محورهای اصلی و فرعی مرتبط با شاخص ترکیبی ارزیابی عملکرد برنامه‌های توسعه در راستای سند چشم‌انداز بیست‌ساله معرفی و با ساخت شاخص‌های ترکیبی برای محورهای ششگانه اصلی، شاخص ترکیبی عملکرد برنامه‌های توسعه محاسبه شد.

مأصل نتایج حکایت از این دارد که در مقایسه تطبیقی بین عملکرد برنامه‌های توسعه کشور از منظر جهت‌گیری به سمت اهداف سیاست‌های کلی برنامه و سند چشم‌انداز، بهترین عملکرد و نزدیک‌ترین قرابت و هم‌راستایی و هم‌جهتی با اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز به ترتیب در برنامه‌های سوم توسعه (میانگین رتبه: ۱/۸۳)، برنامه اول توسعه (میانگین رتبه: ۲/۵)، برنامه دوم توسعه (میانگین رتبه: ۳/۳۳)، برنامه پنجم توسعه (میانگین رتبه: ۳/۵) و بالاخره برنامه چهارم توسعه (میانگین رتبه: ۳/۸۳) است.

همچنین در محور اصلی تولید و رفاه، بهترین عملکرد در بین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه را برنامه اول توسعه داشته و در محورهای اصلی شاخص‌های مالی، قیمت‌ها و کنترل تورم و نیز در محور بازار کار، اشتغال و بهره‌وری، بهترین عملکرد را برنامه سوم توسعه داشته است. در محور جهانی شدن اقتصاد، پیوندهای تجاری و سیاست‌های بخش تجارت خارجی بهترین عملکرد در برنامه پنجم توسعه بوده است. برنامه چهارم توسعه بهترین

وضعیت را در تحقق عدالت، فقرزدایی و توزیع عادلانه درآمد داشته و در زمینه کوچک‌سازی و متناسب‌سازی اندازه دولت و توسعه بخش خصوصی و غیردولتی نیز بهترین وضعیت در برنامه اول توسعه محقق شده است. با توجه به نتایج مقاله پیشنهادی زیر برای برنامه ششم توسعه قابل ارائه است:

۱. تکیه و اهتمام مجریان و ناظران برنامه ششم توسعه برای رفع عقب‌ماندگی کشور از اهداف اقتصادی چشم‌انداز که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه حاصل شده است.
۲. ارزیابی مستمر سالانه وضعیت اقتصادی کشور براساس اهداف کلان اقتصادی چشم‌انداز و سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه براساس محورهای اصلی و فرعی معرفی شده در مقاله و سنجش وضعیت موجود از مطلوب.
۳. با توجه به اینکه هدف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، کسب جایگاه اول قدرت اقتصادی منطقه است، باید کلیه ۴۹ محور فرعی متمرکز و پیشرفت و بهبود در همه محورهای اصلی و فرعی ملاک باشد چراکه طبق نتایج تحقیق آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه به‌ویژه برنامه چهارم و پنجم (برنامه‌های توسعه اجرا شده بعد ابلاغ چشم‌انداز) حکایت از نگرش‌های همه‌جانبه به اهداف اقتصادی مدنظر سند چشم‌انداز ندارد.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، علی محمد و وحید شقاقی شهری (۱۳۸۷). توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، انتشارات نورعلم.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۶۸). نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۳. دانش جعفری، داود و وحید شقاقی شهری (۱۳۹۳). اقتصاد ایران در افق ۱۴۰۴، انتشارات نورعلم.
۴. دژپسند، فرهاد و حمیدرضا رئوفی (۱۳۸۷). اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، مرکز اسناد دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ).
۵. رضایی میرقاند، محسن و علی مبینی دهکردی (۱۳۸۵). ایران آینده در افق چشم‌انداز، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۵-۱۳۶۸). گزارش‌های منتشره سازمان برنامه و بودجه کشور.
۷. سازمان ملی بهره‌وری ایران، گزارش‌های بهره‌وری.
۸. مرکز آمار ایران.
۹. مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳). «گزارش‌های پژوهش‌های اقتصادی»، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، ش ۳۴، ۴۰، ۲۵ و ...
۱۰. معاونت بررسی و نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۳). شاخص‌های نظارت، طراحی شاخص‌های نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی (اصلاح ساختار اقتصاد و خصوصی‌سازی).
۱۱. نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۹۱). دولت و رشد اقتصادی در ایران، تهران، نشر نی.
12. OECD (2014). "Handbook on Constructing Composite Indicators: Methodology and User Guide".
13. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD) Official Website.
14. World Bank (2015). World Development Indicators Database.